

دفتری برای تاریخ و فرهنگ ایران



پیوست فرهنگی روزنامه اطلاعات
چهارشنبه ۱۴ آبان ۱۴۰۴ - سال صدم - شماره ۲۹۰۸۶



اشارات
و تنبیهات

سید مسعود رضوی

۱- هفته پیش که شماره ویژه‌ای در شانزده صفحه با عنوان «کوروش نامه» منتشر شد، بسیاری از مخاطبان فاضل و استادان تاریخ و فرهنگ، با ما تماس گرفتند و پیوست فرهنگی را مورد ستایش و لطف قرار دادند. از ایشان و تمام خوانندگان عالی مقام سپاسگزاریم. اما غفلت یکی از دوستان را نیز متذکر شدند که در لحظه آخر بر روی جلد، به جای روز نمادین کوروش، این عنوان را قرار داده بود: «به مناسبت روز تولد کوروش بزرگ»؟! البته ما خود نیز پس از چاپ متوجه و متعجب شدیم. از این سهو و خط‌پوش می‌خواهیم.

۲- استاد بزرگ هنر خوشنویسی ایران، محمود رهبران، لطف کرده‌اند و کتیبه روی جلد پیوست فرهنگی را با خط زیبا و فوق‌العاده‌ای ثبت و زیبایی و ارزش هنری این هفته‌نامه را افزون و افزون‌تر کرده‌اند. از حضرت استاد سپاس‌ها داریم.

۳- دانشور، طبیب و نویسنده صاحب فضایل ایران جناب پروفیسور صادق مسرت، با عنایت و نقدی تنبیه‌آمیز، نامه‌ای خطاب به اینجانب نوشته‌اند که درواقع درسی برای بنده و جمع همکاران گرامی مادر روزنامه اطلاعات است. ایشان همچون سایه‌ای بر سر دانشگاه، شاگردانشان و ما هستند و برای تندرستی و حضور ایشان در عرصه پزشکی و فرهنگ و قلم‌نیا پیش می‌کنیم.

نامه پروفیسور مسرت گرامی، همچون دیگر نوشته‌ها و مکتوبات ایشان، عزیز است و روی چشم ما جای دارد. چندین یادداشت و مقاله و نقد و تحلیل پیشین ایشان، در کنار اظهار محبت‌های بزرگوارانه جناب استاد، برای این قلم و پیوست فرهنگی و روزنامه اطلاعات، شهدی گوارا و سرمایه لطف و عنایت است. این نامه مشفقانه و منتقدانه هم از ملاحظت کلام و عنایت خالی نیست و البته ما برای امانتداری و تصدیق امر و نظر جناب پروفیسور مسرت، عین نامه ایشان را می‌آوریم:

۴- جناب آقای رضوی؛ باسلام خالصانه اینجانب با داشتن ۹۳ سال مدت ۳۲ سال است که در ایران زندگی می‌کنم با عضویت در دانشگاه تهران و داشتن مسئولیت‌های سربیری یک مجله تخصصی بیش از ده سال و عضویت رسمی فرهنگستان علوم پزشکی با خواندن روزنامه اطلاعات در اغلب روزها سعی کرده‌ام خود را در جریان اوضاع کشور قرار دهم و معتقدم که روزنامه اطلاعات دارای مدیریت آگاه و همکاران کاردان و خیرخواه و وطن دوست مورد احترام طبقه فاضل ایران می‌باشد بنده هم تا به حال فقط به وسیله مقالاتتان با شما آشنایی پیدا کرده و جنابعالی را به عنوان یک نویسنده ... و مورد احترام و قبول



پروفیسور صادق مسرت

ضرورت، کارهای تشخیصی (مانند اندسکوپی) و آزمایشات فراوان در بیماران انجام می‌دهند که دانستن و بی‌فایده بودن آن برای بیماران و خوانندگان روزنامه ضرورت دارد به عنوان مثال در چند ماه پیش بنده با یکی از همکارانم دکتر رضا ملک‌زاده که وزیر سابق بهداشت دولت مرحوم رفسنجانی بود یک مقاله راجع به آزمایشات ضروری برای غربالگری و شناخت بیماری‌ها در افراد جامعه را مورد بحث قرار دادم. چون خیلی از پزشکان آزمایشات فراوان و غیر ضروری را در افراد جوان و سالم زیر ۳۵ سال به طور روتین در فاصله‌های کوتاه و حتی سالیانه برخلاف راهنمایی‌های انجمن‌های بین‌المللی انجام می‌دهند که هزینه‌ها را بالا برده و کاملاً بی‌فایده بوده و در صورت کمی غیر طبیعی بودن آن سبب تشویش و ناراحتی افراد کاملاً سالم می‌گردد؛ این مقاله مهم چاپ نشد. از آنجایی که مقالات ارسالی پس از ۳ تا ۴ هفته ممکن است سرنوشت آن معلوم گردد که چاپ نمی‌شود نویسندگان پس از گذشت این مدت دیگر حوصله و علاقه برای ارسال آن را به روزنامه دیگر از دست می‌دهند. در مقاله دیگری که بنده از سه مقاله چاپ شده در فاصله یک ماه به علت عدم صحت محتویات یا عدم فهم مطالب انتقاد کرده بودم هیچ عکس‌العملی ندیدم.

خواهش بنده از مسئولین محترم روزنامه به شرح زیر می‌باشد:

۱- نوشتن یک نامه جوابی بلافاصله پس از تصمیم از طرف مسئولین روزنامه بسیار کوتاه برای نویسندگان مقالات است که با چاپ آن موافقت شد یا مورد تأیید قرار نگرفت.

۲- موافقت حذف مطالب یا تغییر محتویات مهم مقاله قبل از چاپ از نویسنده خواسته شود.

۳- در رابطه با مقالات تخصصی که تضاد منافع ممکن است از اهمیت برخوردار بوده و بوجود آید داشتن ارتباط با افراد مورد اعتماد و منصف برای گرفتن تصمیم تجدید نظر کلی انجام گیرد.

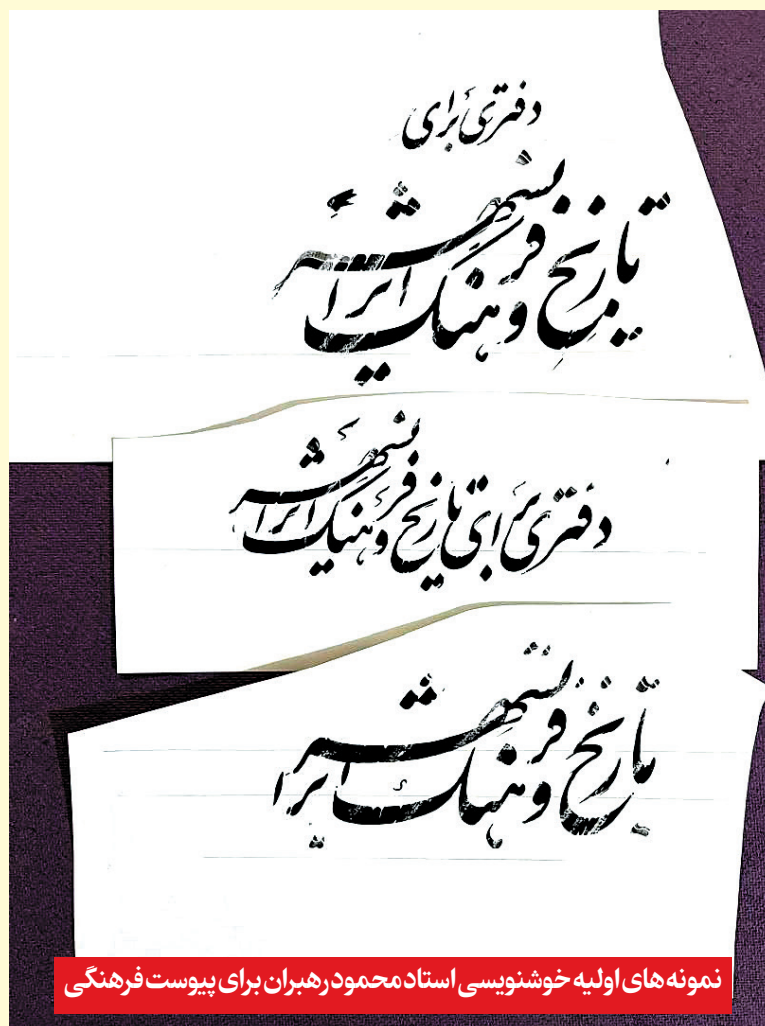
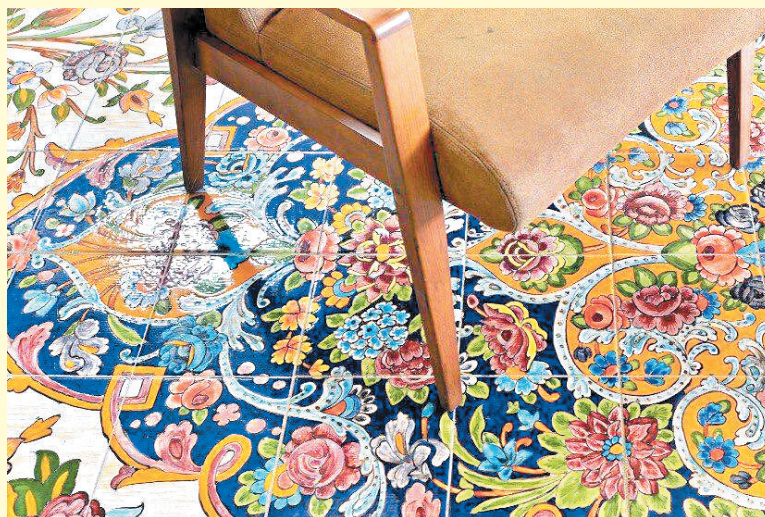
تقاضای توجه آن جناب را در صورت موافقت با خواسته‌هایم باتشکر فراوان دارم.

ارادتمند صادق مسرت
تهران ۳ آبان ۱۴۰۴

۵- پیوست فرهنگی روزنامه اطلاعات، ویژه شخص یا موضوع خاصی نیست و تعلق به فرهنگ و تاریخ ایران دارد. زبان و ادب پارسی، مسائل جامعه و سرزمین از منظر فرهنگ، متون و عناصری که موجب اعتلای سنت و اندیشه و ذوق و زبان ملت است. صفحات این پیوست متعلق به تمام پژوهندگان و نویسندگان و مردم ایران است و امیدواریم تک تک خوانندگان بزرگوار با نظر نقد و نکته‌سنجی، در این صفحات بنگرند و همچنان که تاکنون با ارسال مطالب و مقالات و نقد و نظرها، با ما تشریک مساعی داشته‌اند، زمین پس هم دریغ نفرمایند. والسلام.

جواب نامه‌ها حتی به صورت یک خط هم که شده انجام گیرد ولی این روزنامه با کسانی که احساس مسئولیت می‌کنند و با قصد هدایت و روشننگری جامعه مقاله ارسال می‌کنند هیچ عکس‌العملی نشان نداده از جایگاه قدرت خود بی‌اعتنایی و سکوت را انتخاب کرده و راه و رسم محترمانه را که در جهان متمدن مرسوم است زیر پا می‌گذارد که آن را می‌توان متأسفانه بی‌ادبی فرهنگی آن نهاد نامید.

نکته دیگری را که من جدا به آن اعتراض دارم عوض کردن یا حذف قسمتی از محتویات مقاله است که اگر اصلاح کلام باشد مورد تأیید است ولی اگر غیر از آن باشد باید مورد تأیید نویسنده قرار گیرد و رضایت او باید قبل از چاپ مقاله اخذ گردد. به نظر می‌رسد که محتویات مقاله در موافقی تعارض منافع با بعضی از گروه‌ها در جامعه از جمله لایبرتوارها و یا افراد سودجود و نقوذی در آن روزنامه دارد و بدین جهت از چاپ آن خودداری می‌گردد. شامی دانید که بعضی از پزشکان بدون هیچگونه



نمونه‌های اولیه خوشنویسی استاد محمود رهبران برای پیوست فرهنگی

عصر فروپاشی تفکر

جیمز ماریوت

بزرگترین انقلاب تاریخ بشر در میانه قرن هجدهم اتفاق افتاد، بدون آنکه خونی ریخته شود، پادشاهی گردش را از دست بدهد، یا گلوله‌ای شلیک شود. انقلابی آرام، اما با نتایجی حیرت‌انگیز: انقلاب خواندن. از اختراع چاپ حدود دویست سال می‌گذشت و در تمام این مدت، خواندن عمدتاً فعالیت نخبگانی بود. اما در قرن هجدهم با افزایش سواد عمومی و گسترش کتاب‌ها و مطبوعات، ناگهان به نظر می‌رسید همه مشغول خواندن شده‌اند. پیر و جوان، زن و مرد، و فقیر و ثروتمند هر چه به دستشان می‌رسید، می‌خواندند. خواندن رابه «تب»، «دیوانگی» یا «آپیدمی» تشبیه می‌کردند.

انقلاب مطالعه باعث دموکراتیزه شدن بی‌سابقه اطلاعات شد، اما از آن مهم‌تر، شیوه تفکر عمومی را تغییر داد. خواندن باعث همه‌گیری تفکر استدلالی، تمرکز و ژرف‌اندیشی و گسترش جهان بینی‌های منسجم شد.

اما اکنون ضدانقلاب به پیروزی رسیده است. مطالعات بی‌شماری سقوط آزاد عادت مطالعه در میان مردم را مستند کرده‌اند. طی بیست سال، خواندن برای لذت در آمریکا، چهل درصد کاهش پیدا کرده. در بریتانیا یک سوم بزرگسالان مطالعه را به کلی کنار گذاشته‌اند. مطالعه در کودکان به شکلی «ناامیدکننده و شوک‌آور» کم شده است. صنعت نشر در بحران است و به قول الکساندر لارمن، نویسنده و ناشر آمریکایی، کتابی که قبلاً صد هزار نسخه می‌فروخت، امروز اگر چند هزار نسخه بفروشد، خوش شانس بوده است. گزارش سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) در اواخر ۲۰۲۴ نشان می‌دهد سطح سواد در اکثر کشورهای توسعه یافته «در حال کاهش یارکود» است. آمارهای مربوط به بحران سواد، چنان است که پیش از این، فقط در جنگ‌ها یا فروپاشی‌های اجتماعی دیده شده بود. استادان دانشگاه در بهترین دانشگاه‌های جهان احساس می‌کنند «اکثر دانشجویان عملاً بی‌سواد هستند». حتی تست‌های IQ که - علی‌رغم همه انتقادهایی که درباره آن‌ها مطرح است - در طول قرن بیستم دائماً در حال افزایش بودند، حالا در جای جای دنیامسیری معکوس در پیش گرفته‌اند.

چه اتفاقی افتاده است؟ جیمز ماریوت، روزنامه‌نگار و جامعه‌شناس بریتانیایی، می‌گوید: «ما در بامداد جامعه پسا سواد قرار داریم». دلیل آن را ممکن است اینترنت، شبکه‌های اجتماعی، افول سرمایه داری، بحران‌های سیاسی، یا هر چیز دیگری بدانیم، اما در نتیجه تردیدی وجود ندارد: کنار گذاشتن خواندن، یک فرایند عظیم «تخلیه فرهنگی» است. با افول اندیشه استدلالی و تفکر انتقادی «تجربه غنی انسانیت در حال فقیر شدن است» و پیامدهای این اتفاق، از سیاست تا فرهنگ، از مدرسه تا خیابان، مشهود است.

اریک هاولوک، متخصص یونان باستان، می‌نویسد: ظهور سواد در یونان مقدمه پیدایش فلسفه بود و فلسفه بنیاد تمدن بود. پس به صورت خلاصه می‌توانیم بگوییم: افول جهانی سواد در واقع به معنی افول تمدن است.

اگر جهان مادر در حال حاضر ناپایدار به نظر می‌رسد، به این دلیل است که زیربنای فکری مادر در حال فروپاشی هستند. جهان نمایشگرهای جای جهان چاپ را گرفته است و این جهان بسیار پرتلاطم، احساسی‌تر، خشمگین‌تر، آشوبناک‌تر جهان قبلی است. والتر اونگ، نویسنده آمریکایی، می‌گوید: نوشتن فکر را سرد و عقلانی می‌کند، اما اگر بخواهید حرفتان را در یک ویدیوی تیک‌تاک ارائه دهید، باید از معیارهای نوشته منطقی دست بکشید. فریاد بزنید، گر به کنید یا مخاطب را با جذابیت ظاهری تان تحت تأثیر قرار دهید. موفق باشید، اما این کارها ربطی به فکر ندارد.

آنچه خواندید مروری است بر مطلب (The dawn of the post-literate society) که در تاریخ ۱۹ سپتامبر ۲۰۲۵ در صفحه سابسکرایب (culturalcapital) منتشر شده است، ترجمان

به جامعه پسا سواد خوش آمدید

دیگر لازم نیست کتابی ممنوع شود، چون اصلاً کسی به خواندن علاقه ندارد



صدای سیم‌ها و بوی گندم آیا ماشین‌ها می‌توانند احساس کنند؟



شریعت رضوی*

مدل‌ها هم نمی‌دانند «چرا» یک بو ما را غمگین یا شاد می‌کند. آن‌ها فقط می‌دانند که «وقتی این بو باشد، انسان چنین واکنشی نشان می‌دهد». بین دانستن و فهمیدن، فاصله‌ای عمیق وجود دارد.

تجربه‌ی انسانی در بستری از زمان و حافظه شکل می‌گیرد. بوی سیب زمینی پخته روی بخاری برای یک کودک ممکن است یادآور عصرهای امن خانه‌ی مادر بزرگ باشد، در حالی که برای دیگری نشانه‌ی فقر و جنگ است. این تفاوت، حاصل زیستن است، نه صرفاً مشاهده. و تا وقتی ماشین‌ها نتوانند در زمان و خاطره زیست کنند، احساس را در معنای انسانی آن نخواهند شناخت.

اما آیا می‌توان روزی را تصور کرد که هوش مصنوعی به بو، مزه یا حتی دلتنگی واکنش نشان دهد؟ شاید بله - نه از راه الگوریتم‌های فعلی، بلکه از راه ساخت «حافظه‌های اپیزودیک مصنوعی»: حافظه‌هایی که زمان، مکان و هیجان را با هم ذخیره کنند. پژوهش‌هایی در حوزه‌ی «محاسبات عاطفی» در حال شکل‌گیری است که هدف‌شان ساخت ماشین‌هایی با توان همدلی است. ماشین‌هایی که نه فقط بفهمند ما غمگینیم، بلکه بتوانند معنای آن غم را درک کنند.

با این حال، حتی اگر چنین روزی برسد، هنوز چیزی کم است: بدن. بدن انسان تنها سخت‌افزار نیست، بلکه تجربه‌گاه معناست. بوی گل، بدون بینی و خاطره، تنها مولکولی در هواست. شاید هوش مصنوعی بتواند آن را بازسازی کند، اما هرگز نخواهد دانست آن بو برای ما چه معنایی دارد. ما در آستانه‌ی عصری ایستاده‌ایم که در آن ماشین‌ها می‌توانند شعر بنویسند، نقاشی کنند و آهنگ بسازند. اما هنوز نمی‌توانند دلتنگ شوند. شاید همین تفاوت کوچک، آخرین مرز میان انسان و ماشین باشد - مرزی باریک، اما سرنوشت‌ساز.

اگر روزی فرا برسد که هوش مصنوعی بتواند از ترکیب بوی باران و صدای زنگ مدرسه، حس کودکی را بازآفرینی کند، شاید آن روز انسان باید دوباره از خودش بپرسد: «احساس واقعی یعنی چه؟»

تا آن زمان، صدای سیم‌ها همچنان سرد است، و بوی گندم تنها در خاطرات ما معنادار دارد.

*دانش‌آموخته مدیریت تحول

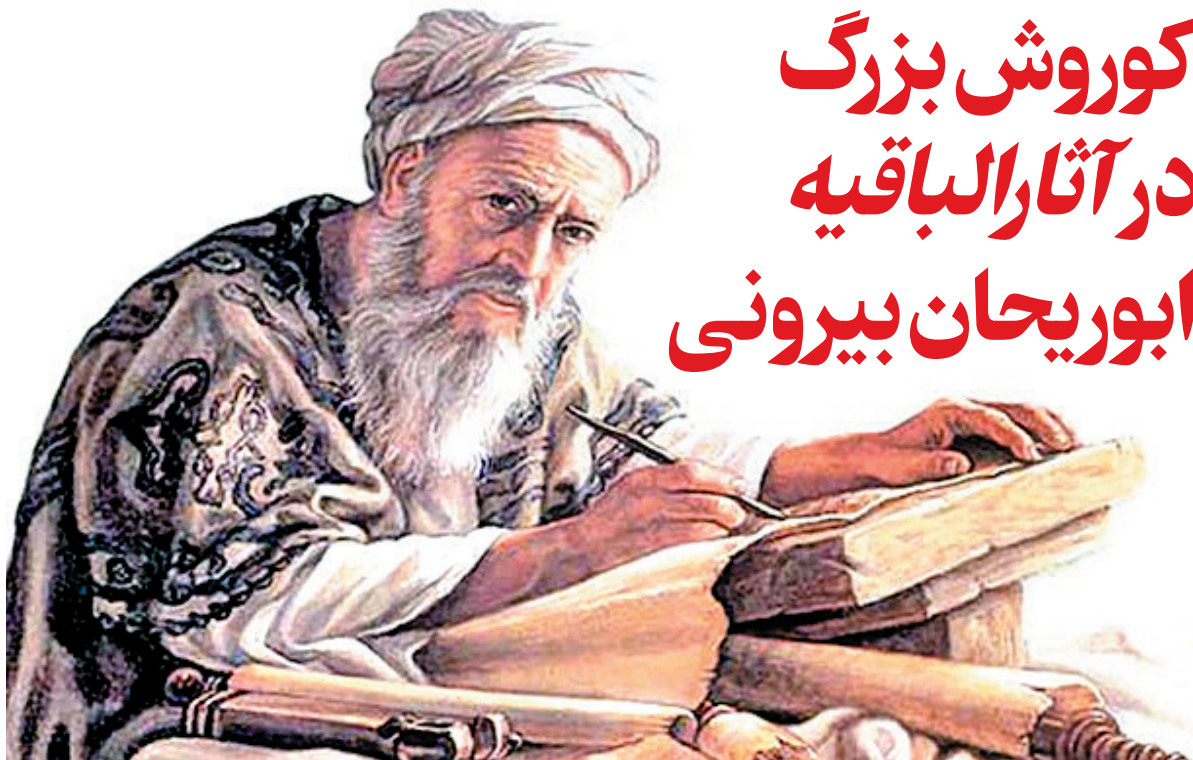
ما انسان‌ها از طریق بو، صدا، نور و لمس، جهان را تجربه می‌کنیم؛ اما ماشین‌ها تنها آن را محاسبه می‌کنند. پرسش این روزها دیگر این نیست که «آیا هوش مصنوعی می‌فهمد؟» بلکه این است که «آیا می‌تواند حس کند؟»

بوی چوب نیم‌سوخته، صدای زنگ مدرسه، یا رایحه‌ی عطری که یادآور مادر بزرگ است، تنها داده‌های فیزیکی نیستند. آن‌ها در ذهن ما به رشته‌ای از خاطرات، احساس امنیت، دلتنگی یا شادی گره می‌خورند. مغز انسان بو را فقط نمی‌سنجد، بلکه آن را زندگی می‌کند. این همان تفاوتی است که میان تجربه‌ی انسانی و بازسازی ماشینی وجود دارد.

هوش مصنوعی امروز می‌تواند از میلیون‌ها نمونه یاد بگیرد، تصویر بسازد، موسیقی تولید کند و حتی درک ظاهری از احساس در زبان نشان دهد. اما هنوز نمی‌تواند از بوی گندم به دلتنگی برسد، یا از ترکیب صدا و نور، مفهوم «خانه» را حس کند. چون تجربه‌ی حسی انسان از جنس «داده» نیست، بلکه از جنس «بودن» است. ما حس‌ها را نه فقط می‌فهمیم، بلکه در آن‌ها زیست می‌کنیم. در فلسفه‌ی پدیدارشناسی، «حس» صرفاً ورودی به مغز نیست؛ بلکه نوعی رابطه با جهان است. بدن مادر این میان نقش واسطه را دارد. ما از طریق پوست، چشم و بینی در جهان حضور می‌یابیم. این بدن است که به تجربه معنا می‌دهد. در حالی که برای ماشین‌ها، جهان چیزی جز سیگنال نیست. آن‌ها بویابنه عدد، رنگ را به پیکسل و صدا را به فرکانس تبدیل می‌کنند. اما در هیچ کدام از این‌ها، خاطره و احساس حضور ندارد.

پژوهش‌های جدید تلاش کرده‌اند این فاصله را کم کنند. مدل‌های «یادگیری چندوجهی» می‌کوشند داده‌های صوتی، تصویری و بویایی را با هم ترکیب کنند تا درک عمیق‌تری از جهان بسازند. اما حتی این

کوروش بزرگ در آثار الباقیه ابوریحان بیرونی



مجید خالقیان

اشاره: ابوریحان بیرونی، کوروش در نوشته‌های اهالی مغرب را با کیخسرو تطبیق داده است. در جاهای دیگر به نقل از روایات مسیحیان کوروش را عامل بهمن خوانده و در یکی از جداول که بر اساس دیگر منابع تدوین کرده است، کوروش و اسکندر در جدول پادشاهان بابل و کلدیه آمده‌اند. اینکه کوروش در نوشته‌های اهالی مغرب با کیخسرو تطبیق داده شده است از تحلیل‌های خود ابوریحان بیرونی است ولی موضوع کوروش عامل بهمن را صرفاً از منابع مسیحی نقل قول کرده است. این نکات و موضوعات جالب دیگر را ابوریحان بیرونی، نابغه بی‌همتای ایران در فرهنگ پژوهی و تفکر آزاد، به دقت مورد بحث قرار داده و ما چکیده و رقیق شده آن را در این مقاله با هم خواهیم خواند:

پیش‌گفتار: یکی از منابع بسیار با اهمیت تاریخ و فرهنگ ایران و جهان کتاب آثار الباقیه اثر ابوریحان بیرونی است. ابوریحان در این کتاب گردآوری‌های خود از منابع اقوام و ملل گوناگون را به رشته تحریر در آورده است.

ویژگی مثبت نوشته‌های ابوریحان بیرونی در آثار الباقیه این است که اکثر اشاره به منابع گفته‌هایش کرده است. هرچند دقت مقالات علمی پژوهی زمان حال را ندارد ولی حداقل در بسیاری از مواقع متوجه می‌شویم که روایات ریشه در کجا دارد. این دقت در منابع کهن جهان کمتر دیده شده است و باعث شده که آثار الباقیه کتابی باشد که ارزش تاریخ پژوهانه قابل توجهی دارد.

باید پذیرفت که اشاره به کوروش بزرگ و پادشاهان هخامنشی در آثار الباقیه ابوریحان بیرونی، دقیق‌تر از دیگر منابع پس از اسلام است. البته در آثار الباقیه هم تفاوت‌هایی در نقل قول‌های مختلف دیده می‌شود نه فقط درباره پادشاهان ایران بلکه درباره پادشاهان دیگر ملل مانند مقدونی‌ها و یونانیان هم این تفاوت‌ها در روایات اقوام گوناگون دیده می‌شود.

نام کوروش در چند جای آثار الباقیه به چشم می‌خورد. در برخی از آنها صرفاً روایتی از منابع دیگر نقل شده و حتی جدولی بر اساس آن منابع تدوین شده است ولی در برخی دیگر ابوریحان بیرونی روایات را تحلیل کرده و حتی این پژوهشگر، کوروش در روایات اهالی مغرب را با کیخسرو تطبیق داده است.

کوروش و کیخسرو: در یکی از جداول آثار الباقیه از کوروش به عنوان شاه ایران یاد شده است و ابوریحان بیرونی او را معادل کیخسرو دانسته است.

در جداول پیشین آثار الباقیه، کوروش به عنوان شاه بابل ذکر شده است (در ادامه بیشتر توضیح می‌دهیم) که البته نادرست هم نیست چراکه بابل یکی از مراکز اصلی شاهنشاهی هخامنشی بوده است. اما نکته بسیار مهمی در آثار الباقیه وجود دارد و آنکه در جدولی که کوروش به عنوان شاه ایران یاد شده، ابوریحان بیرونی او را معادل کیخسرو دانسته است. ابوریحان بیرونی نام‌هایی که در کتب اهل مغرب (شمال آفریقا) آمده است را با پادشاهانی که در داستان‌های ایرانی آمده، تطبیق داده است.

ابوریحان پیش از آوردن این جدول می‌نویسد: در کتاب‌های سیر و اخبار که از روی کتب اهل مغرب نقل شده، ملوک ایران و بابل را نام برده‌اند و از فریدون که نزد آنان «یاقول» نام دارد شروع کرده‌اند تا دارا...

(بیرونی، ۱۳۸۶: ص ۱۵۱).
بیرونی در ادامه می‌گوید: ولی با آنچه مامی دانیم از حیث عدد ملوک و نام‌های ایشان و مدت پادشاهی و اخبار دیگر احوال ایشان اختلاف دارد (همان).

امادراً به دلیل احترام به خوانندگان این روایت هم نقل می‌کند و قبل آن می‌گوید: اگر ما این اقوال مذکور را در اینجا برای خوانندگان نقل نکنیم اولاً متاع خود را به سنگ تمام نفروخته‌ایم و ثانیاً در دل‌های خوانندگان تولید نگرانی کرده‌ایم و ما این اقوال را در جدولی جداگانه قرار می‌دهیم تا آنکه آراء و اقوال بهم مخلوط نشود (همان).

جالب آنکه همین جدولی که ابوریحان بیرونی

چنین مواردی را درباره آن گفته است و در نهایت آن را آورده است تا متاع خود را به سنگ تمام بفروشد، با توجه به آثار باستانی، کتیبه‌های هخامنشی، سکه‌های باقی مانده و هماهنگی آنها با دیگر منابع تاریخی که امروز در دسترس ما قرار دارد، متوجه می‌شویم که یکی از دقیق‌ترین جدول‌های آن کتاب درباره ترتیب پادشاهان است.

گرچه ابوریحان به تعداد پادشاهان، ترتیب، نام‌ها و از این دست موارد تردید نداشته است اما به شباهت کوروش و کیخسرو تردید نداشته است. به طوری که در جایی می‌نویسد: «اخشویوش بن دارا که خسرو اول باشد» که بدون تردید منظور همان خشایارشا بزرگ است اما جالب آنکه برای خشایارشا دوم از نام اخشویوش استفاده نمی‌کند بلکه از نام خسرو دوم بهره‌می‌برد.

همانطور که در جدول هم مشخص است بیرونی نوشته است: کوروش که کیخسرو است... (بیرونی، ۱۳۸۹: ص ۱۵۲).

ما امروز می‌دانیم که برخی از روایات کیخسرو در شاهنامه به روایاتی که درباره کوروش در منابع باستانی آمده نزدیک است. به طور کلی کیخسرو در داستان‌های ایرانی آمیختگی و شباهت زیادی به کوروش بزرگ دارد که شاهنامه‌شناسانی مانند جلال خالقی مطلق هم این موضوع را تایید کرده‌اند.

پادشاهان کلدیه: پیش از این اشاره کردیم که در آثار الباقیه جداول دیگری هم وجود دارد که نام کوروش بزرگ در آنها آمده است.

در بخشی از این کتاب، کوروش و اسکندر در جدول ملوک کلدیه آمده‌اند. ابوریحان بیرونی در آغاز فصل مربوط به این جداول اذعان کرده است که جداول را عیناً از منابع دیگر نقل کرده است و از تفاوت این منابع با منابع مسیحی و یهودی گفته است.

گویا ریشه چنین پندارهایی به دلیل آن است که نام پادشاهانی که لقب پادشاه بابل و کلدیه را داشتند آمده است و قطعاً حوزه قلمروی برخی از آنها فراتر از بابل هم بوده چراکه نام اسکندر هم در این جدول آمده است.

ابوریحان پیش از جداول درباره منابع می‌نویسد: در برخی از کتب جدولی دیدیم که مدت پادشاهی آئور را که اهل موصل باشند و مدت سلطنت ملوک قبط را که در مصر بودند و همچنین مدت پادشاهی ملوک بطالسه را که مفر آن بطلمیوس است... و نیز تواریخ ملوک روم را که پس از بطالسه بودند ذکر کرده بودند... و من آن جدول‌ها را به عینه در این فصل نقل کردم... (بیرونی، ۱۳۸۹: ص ۱۱۵).

ابوریحان اشاره می‌کند که تفاوت‌هایی با منابع مسیحی و یهودی دارد: در آن کتب از مولد ابراهیم تا اسکندر دو هزار و نود و شش سال بود که از آنچه یهود و نصاری و اصحاب قرانات می‌گویند بیشتر است (همان).
ابوریحان در مبحث مربوط به آئور و پیش از جدول مربوط به پادشاهان بابل نوشته است: جدول این دسته از پادشاهان که پیش از ملوک آئور بودند بنا به عقیده یک دسته از مورخین به قرار زیر است (همان: ص ۱۲۸). سپس نام پادشاهان بابل را می‌آورد و در صفحات بعدی در جدولی با عنوان «جدول ملوک کلدیه» نام کوروش را می‌آورد. پیش از آنکه ابوریحان می‌نویسد: من تاریخ پادشاهان بابل را از آغاز شاهی بختنصر اول تا به مرگ اسکندر بنا به تاریخ ایشان تمام شده و نوبت به بطالسه رسید آوردم و مدت هر یک از ایشان را در این جدول تصحیح کردم هر چند که نتوانستم نام‌های ملوک را از راه سماع تصحیح کنم و فقط هیئات حروف نام‌های ایشان را در این جدول نقل نمودم... (همان: ص ۱۵۲).

ص ۱۲۹).

آشکار است که اصل موضوع از منابع دیگر است که ابوریحان گردآوری کرده است. البته قطعاً منابع مهم و قابل‌تأملی هستند.

طبیعی است که بابلیان چه پادشاهان هخامنشی و چه اسکندر را پادشاه بابل می‌دانستند. بابل یکی از مراکز اصلی شاهنشاهی هخامنشی بوده است.

به نقل از منابع مسیحی: کوروش عامل بهمن: در جای دیگری از آثار الباقیه، ابوریحان بیرونی روایات مسیحیان را نقل می‌کند و این موضوع را در بحث «نسخ تورات» آورده است.

ابوریحان می‌نویسد: نسخه‌ای که نزد نصاری می‌باشد تورات سبعین نام دارد و شرح این قصه آنست که:

«چون بخت نصر به بیت المقدس دست یافت و آنجا را خراب کرد طایفه‌ای از یهود جلای وطن کردند و به پادشاه مصر پناهنده شدند و در کنف او اقامت جستند... بیت المقدس را کوروش که عامل بهمن بر بابل بود ساخته بود و عمارت شام را به حال نخستین بر گردانیده بود... پس بنی اسرائیل به قصد خروج از مصر با جمعی از مقربان ملک که شاه به بدرقه یهودیان فرستاده بود پیروز شدند و بطلمیوس گفت که مرا به شمانیازی است... و آن این است که یک نسخه از کتابتان تورات به من بخشید...»

و این همان نسخه است که نزد نصاری است و این نسخه به گفته ایشان تبدیل و تحریف یافته... یهودا این حکایت را باور نمی‌دارد و می‌گویند در نقل تورات مکره و مجبور بودیم... (بیرونی، ۱۳۸۹: صص ۲۹-۳۰).

در اینجا به دلیل طولانی نشدن متن، فقط پاره‌هایی از آثار الباقیه را آوردیم که امیدواریم خوانندگان خود به اصل کتاب مراجعه کنند و متن کامل را بخوانند. می‌بینیم که ابوریحان دارد درباره یکی از نسخ تورات که نزد نصاری می‌باشد و تورات سبعین سخن می‌گوید و روایت مسیحیان درباره چگونگی نگارش آن را ذکر می‌کند. در آخر هم نوشته است که یهودیان حکایت را باور ندارند.

از متن اینچنین برداشت می‌شود «کوروش عامل بهمن بوده» هم در همان روایات مسیحی آمده است. از این اشاره مهم می‌فهمیم اینکه کوروش عامل بهمن اردشیر بوده و در برخی از منابع دیگر پس از اسلام مانند طبری هم آمده احتمالاً ریشه در روایات مسیحی دارد.

با بررسی منابع باستانی در می‌یابیم که احتمالاً پیوند کوروش و بهمن، ریشه در روایات آمیخته شده با کوروش یکم (پدر بزرگ کوروش بزرگ) دارد. در این روایات بهمن اردشیر جای هووخشتره (پادشاه ماد) را گرفته و کوروش سردار بهمن اردشیر، یادآور کوروش یکم می‌باشد.

سخن پایانی: با بررسی آثار الباقیه آشکار می‌شود اینکه کوروش عامل بهمن بوده و اینکه کوروش از شاهان کلدیه بوده، از منابع دیگر هستند که ابوریحان گردآوری کرده و خلاصه‌ای از نوشته‌ها آورده است.

اما در بحث کوروش و کیخسرو موضوع متفاوت است. ابوریحان نوشته است: «[اهالی مغرب] از فریدون که نزد آنان یاقول نام دارد شروع کرده‌اند» (همان: ص ۱۵۱).

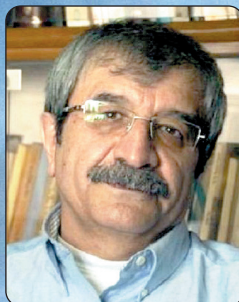
سپس در جدول می‌نویسد: «یاقول که فریدون است» (همان: ص ۱۵۱). پس مشخص می‌شود نکته «که فریدون است» تحلیل ابوریحان بیرونی است نه آنکه در اقوال اهالی مغرب آمده باشد.

در ادامه می‌نویسد: «کوروش که کیخسرو است» (همان: ص ۱۵۲) باز هم معلوم می‌شود که یکسانی کوروش و کیخسرو تحلیل ابوریحان است نه آنکه اهالی مغرب آورده باشند و ابوریحان بیرونی تشخیص داده روایات کوروشی که در اقوال اهالی مغرب آمده به کیخسرو نزدیک است. ۲۶ مرداد ۱۴۰۴

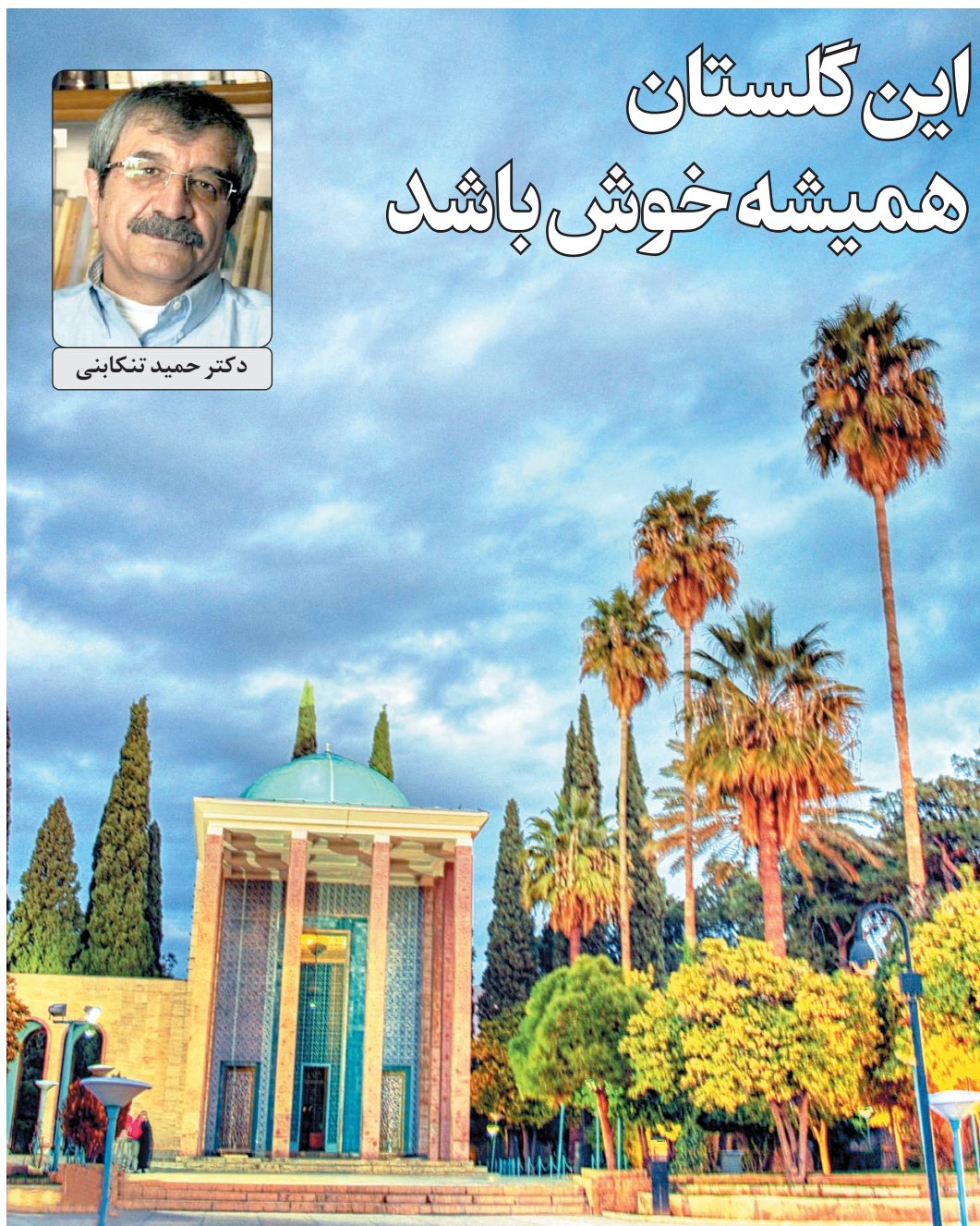
کلیدار جاعات به این منبع:

- بیرونی، ابوریحان (۱۳۸۹)، آثار الباقیه. ترجمه اکبر دانش‌سرشت، تهران: امیرکبیر.

این گلستان همیشه خوش باشد



دکتر حمید تنکابنی



معرفی کتاب «از گلستان من ببر ورق» حاوی گفتارهایی درباره اعجاز و ایجاز، طنز و مطایبه صنایع ادبی، جبر و اختیار، فطرت و تربیت، موسیقی و جهانگردی. در گلستان سعدی، احمد کتابی، ۱۸۲ صفحه ۱۴۰۴ - تهران: نشر نوآندیشان - چاپ اول

سعدی بی گمان، دارای توانایی ها و برتری هایی است که نظایر آنها، در کمتر سخنور ایرانی - از پیشینیان گرفته تا پیشینیان - یافت می شود تا آنجا که حتی در میان چهار سخنور سترگ فارسی که هانری ماسه (Henri Masset) از آنان به «چهارستون اصلی کاخ رفیع ادبیات فارسی» تعبیر کرده است. وی از تشخص و برجستگی ویژه ای برخوردار است.

بدیهی است که این سخن هرگز، به معنای کم ارج شمردن سه سخنور دیگر (فردوسی، مولوی و حافظ) که هر یک در حوزه تخصصی خود به تمام معنا، سرآمدی هم نداشته اند، نیست بلکه سخن بر سر خصیصه جامعیت و ذوفنونی سعدی است که به یقین، هیچ کس تاکنون، یاری همآوردی با او نداشته است.

سعدی، نه تنها در سرایش اقسام گوناگون نظم و تبحر و استادی مطلق برخوردار است که در عرصه نثر هم، در جایگاهی بی نظیر و موقعیتی رقابت ناپذیر قرار دارد.

افزون بر آنچه گفته شد، وی اندیشمندی اجتماعی، روان شناسی بصیر، جامعه شناسی خبیر، صاحب نظری آگاه در زمینه سیاست و حکمرانی و همچنین بهره مند از بسی قابلیت ها و مزیت های دیگر است و نکته شگفت آور آنکه: اکثریت قریب به اتفاق ویژگی های یادشده در کتاب گلستان او جمع آمده است.

کتاب «از گلستان من ببر ورق» چنانکه از عنوان ایهام آمیز آن برمی آید، پیرامون گلستان پیوسته بهار سعدی نگاشته شده و حاوی هفت بخش (همراه با پی نوشت) به شرح زیر است: نخستین بخش، با عنوان «اعجاز ایجاز» به یکی از توانایی های اعجاب آور سعدی - مهارت بی نظیر او در موجزگویی

۲- سجع (همسانی دو حرف آخر واژه های «بگسترد» و «بپرورد») ۳- مراعات نظیر (تناسب «فراش» با «فرش» و «دایه» با «مهد» و «پرورش»)

۴- موازنه - (باد، ابر و فرش، مهد)

۵- جناس ناقص و شبه اشتقاق (بنات، نبات)

در چهارمین بخش موضوع لایتنل «جبر و اختیار»، از دیدگاه، سعدی بررسی شده که شامل سه فصل با عنوان های زیر است: رویکرد جبرگرایانه، رویکرد اختیارگرایانه و رویکرد بین الامرین. در نتیجه گیری پایانی این بخش از گرایش آشکار سعدی به جبراندیشی و تقدیرگرایی یادشده است.

پنجمین بخش که عنوان آن فطرت و تربیت است در واقع به تشریح نظریات سعدی در باب «دوگانه وراثت و محیط» و تأثیر آنها در تکوین شخصیت و رفتار آدمیان اختصاص دارد و در حواشی آن به چگونگی تأثیر تربیت و همیشینی و نیز موضوع جاذب بودن یا نبودن تنبیه، پرداخته شده است.

ششمین بخش که عنوان آن موسیقی در گلستان است به بررسی دیدگاه کلی سعدی درباره غنا (موسیقی) پرداخته و در حاشیه آن به موضوع سماع نیز توجه کرده است. همچنین، در مواضع مختلف از اسامی آلات موسیقی متداول در آن زمان و نیز بعضی اصطلاحات مربوط به موسیقی (نظیر «زیر» و «بم») یاد کرده است.

در پایان بخش مزبور، اصول نظریات سعدی درباره موسیقی و سماع به شرح زیر تلخیص شده است:

۱- دلپستگی آدمی به موسیقی و آواز خوش تمایلی ذاتی است که در بعضی حیوانات هم مشاهده می شود و بنابراین، مخالفت با آن به منزله معارضه با طبیعت و فطرت است.

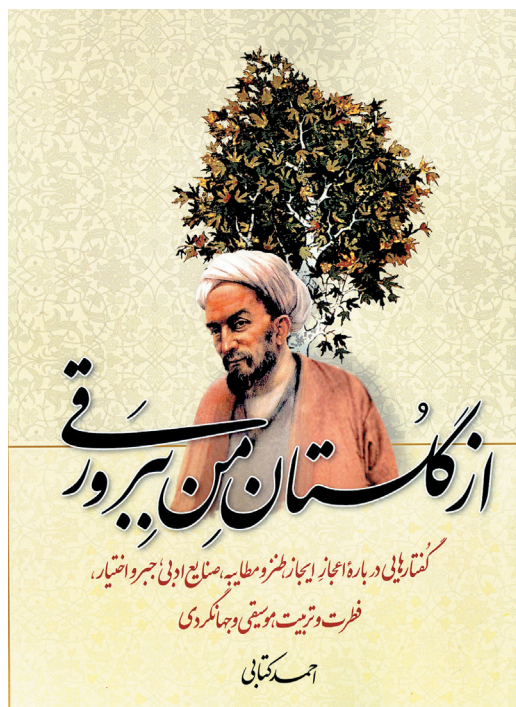
۲- سعدی در خصوص جایز بودن یا نبودن سماع قائل به تفکیک شده و مشارکت در آن را برای کسانی که واجد صلاحیت و اهلیت برای آن باشند مجاز و شایسته توصیه و برای ناهلان ممنوع شمرده است.

هفتمین و واپسین بخش کتاب راجع به موضوع جهانگردی از نظر سعدی است. در ابتدای این بخش، از شرح اجمالی احوال سعدی و سوابق تحصیلی او در شیراز و بغداد و سپس از جهانگردی بسیار طولانی او سخن رفته است. طی این جهانگردی که نزدیک به یک سوم عمر سعدی معروف آن شده، وی از قسمت اعظم جهان شناخته شده آن دوران از جمله عراق، شام، آسیای صغیر، حجاز و حبشه دیدار کرده و چند زمانی در شام رحل اقامت افکنده و در مسجد جامع دمشق و بعلبک به وعظ و ارشاد پرداخته است.

مسافرت مزبور، چنانکه می توان انتظار داشت، متضمن رویدادهای تلخ و شیرینی برای سعدی بوده که وصف برخی از آنها (البته با تصرفاتی) در حکایت های گلستان و بوستان آمده از آن زمره است. ماجرای به اسارت درآمدن او در طرابلس به دست فرنگیان و به کار گل گماشتن وی و نیز واقعه نامیمون ازدواج او با زنی به غایت تند خو و ناسازگار و بسیاری رویدادهای دیگر که شرح آنها به صورت حکایاتی در کتاب گلستان آمده است.

شایان یادآوری است که کتاب «از گلستان من ببر ورق» دارای نمایه مفصلی است که در چهار قسمت، به تفکیک موضوعات، فراهم آمده است. در ضمن، تمامی بخش هاستند به شواهد متعددی از گلستان است.

یادداشت ها: ۱- واژه های فارسی مزبور به ترتیب، به جای کلمات عربی «منتقدمان» و «متاخران» به کار رفته است.



از گلستان من ببر ورق

گفتارهایی درباره اعجاز و ایجاز و مطایبه، صنایع ادبی، جبر و اختیار،

فطرت و تربیت، موسیقی و جهانگردی

احمد کتابی

از یادداشت های دکتر احمد رضا قائم مقامی

درباره زبان و ادبیات فارسی



از میراث شاهنامه

بهتر توجیه کرد (به مقاله مرحوم دکتر زریاب باهمین عنوان «دبیرستان» رجوع فرمایند).
فرهنگستان جایی بوده که در آن فرهنگ می آموخته اند و گرچه فرهنگ در لفظ هر نوع ادب است، از ادب درس و ادب نفس، ولی در معنای مضیق درسهای نظری و عملی بوده که فرزندان شاهان و امیران و نجبا می آموخته اند و شطرنج و نرد و چوگان و فنون جنگاوری نیز داخل در آنها بوده، معلمان این فرزندان نام فرهنگی داشته اند، چنانکه از شاهنامه می توان دریافت. حدس زده اند که مؤدب عربی ترجمه فرهنگی باشد، و احتمالاً درست گفته اند. اما مؤدب نیز معنایی وسیع تر یافته و یک معنایش مکتب دار بوده و این احتمالاً بدان معنی است که هر دو لفظ دبیر و فرهنگی از پیش معنای وسیعتری پیدا کرده بوده اند و با تغییر در شیوه آموزش در دوران پس از اسلام هر معلم مکتبی را نیز دبیر یا فرهنگی و به عربی مؤدب نامیده باشند، هرچند که ممکن است تحول معنایی لفظ مؤدب در عربی چیزی باشد مستقل از لفظ فرهنگی (و آن نیازمند جست و جوی تاریخی است و پیداست که به صرف حدسهای لغوی در این موضوعات نمی توان تکیه کرد).

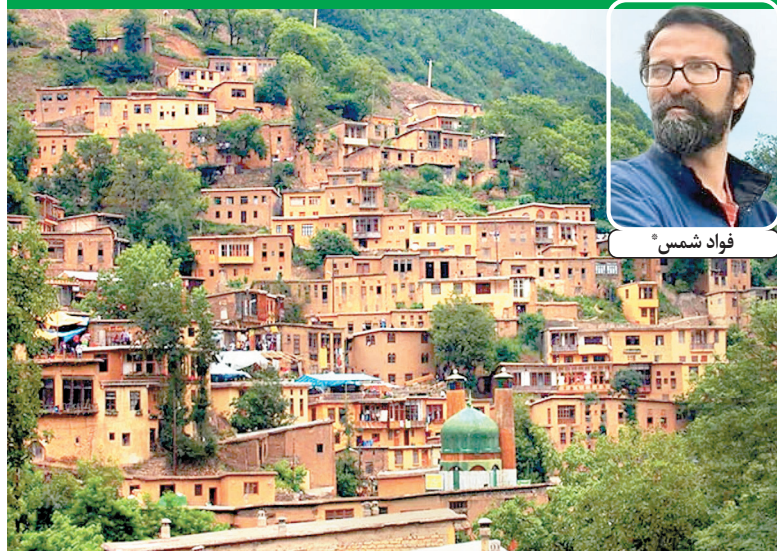
اگر این مقدمات درست باشد، تمایز میان فرهنگستان و دبیرستان به مرور از میان رفته (اینکه مرز وظایف این دو در دوره ساسانیان کجا بوده گویا از اسناد موجود به دست نمی آید) و عناوین صاحبان و معلمان دبیرستانها و فرهنگستانها نیز به هم آمیخته بوده است. این کلیاتی بود که در حد یادداشت کوتاه به نظر رسید در پاسخ به پرسش دوستی.

دبیرستان، فرهنگستان
دبیرستان در فارسی قدیم به معنای مکتب است، ولی آن طور که از لفظش برمی آید بایست در اصل جایی باشد که دبیران به کودکانی که در آینده می خواسته اند دبیر شوند (و احتمالاً بسیاری از آنان پدران دبیر نیز داشته اند) درس می آموخته اند و چون دبیری اجزاء و اقسامی داشته، در آن درسهها، جز سواد و خط خوش و فنون کتابت، اصول بلاغت و حساب و هندسه و فنون دیگر را که برای وارد شدن به دیوان شاهان در بایست بوده می آموخته اند. با این حال، در دوره ساسانیان، آنچنانکه از بعضی اخبار به دست می آید (مثلاً نامه تنسر)، طب و نجوم را نیز داخل در دبیری به حساب می آورده اند. بنابراین، دروسی که در دبیرستان می خوانده اند بایست شمولى داشته باشد و این لابد باعث شده بوده که دبیر معنایی وسیعتر از شاغل در یکی از دیوانهای حکومت (یعنی دواير و ادارات دولتی به تعبیر امروز) را گرفته باشد و معنایی مانند معنای لفظ معلم هم یکی از معانی آن شده باشد و هرچه آموزش بیشتر به بیرون از دایره فرزندان درباریان و بزرگان توسعه یافته باشد، لاجرم این معنای «معلمی» نیز شمول بیشتری می یافته. پس دبیرستان جایی بوده که دبیر یا دبیرانی در آن درس می گفته اند، چنانکه در هیریدستان هیریدان متصدی تدریس بوده اند. پس از اسلام که درس آموزی طبقات بیشتری را شامل شده، ایرانیان همان لفظ دبیرستان را در معنای مکتب به کار برده اند (و شاید مکتب خانه های پیش از اسلام را نیز به همین نام می خوانده اند). اگر آنچه گفته شد پذیرفته شود، شاید معنای «مکتب» لفظ دبیرستان را بتوان کمی

نقل از پایداری حماسی، از مرحوم دکتر امین ریاحی، چاپ مروارید، ص ۱۱۱-۱۱۲.
بد نیست این را با شعور «روشنفکر عامی» وطنی مقایسه کنیم که فریهای توده ایها او را مسخ کرده بود و چون راه شهرت را در تشبه به برادر حاتم طایی می جست، از ضحاک قهرمان ساخت.
روسها در داخل شوروی همه اقوام دیگر را زیر منگنه گذاشتند و کوچاندند و خفه کردند و به کشتن دادند، ولی در تمامی ممالک دیگر از اقوام محلی دفاع کردند و جیره خواران خود در سایر کشورها را وادار به تبلیغات برای تجزیه سایر کشورها کردند. تکلم به زبان فارسی را در شوروی جرم اعلام کردند، ولی سعی در پروراندن زبانهای محلی در ایران نمودند و چنین وانمود کردند که در خاک ایران نیز فارسی باقی را در منگنه گذاشته، حال آنکه اهل ایران از هزار سال قبل فارسی را، به هر لهجه ای که خود سخن می گفتند، زبان اول یا دوم خود می شمردند، جز آنان که در دورترین نواحی از سواد بهره چندان نداشتند. امروز روسیه ظاهرًا دست از این تبلیغات خود برداشته و آن کارها به عهده چند بنیاد افتاده. کسانی که در سالهای اخیر قصه هایی در مورد ظلم و ستم به زبانهای محلی در ایران می سازند و به کتابهای خود ظاهر علمی می دهند (و شاید در یادداشتهای دیگر درباره سستی سخنان آنها چیزهایی بگویم) همان نسنی را با این بنیادها و با بعضی کشورهای منطقه دارند که روزی توده ایها را باریاب خود داشتند، و گر نه مسأله آنها مسأله تحقیق تاریخی و علمی نیست.

گامی برای توسعه پایدار و تاب آور گردشگری روستایی

ثبت جهانی سه روستای ایرانی



فواد شمس *

به ماندن در روستا ترغیب کرده است.
این نمونه ها نشان می دهد که گردشگری اگر به درستی مدیریت شود، می تواند نه تهدید، بلکه فرصت توسعه پایدار روستایی باشد.
ثبت جهانی روستاها، رفتار ذی نفعان را نیز دگرگون می کند.

جامعه محلی باید که حفاظت از منابع طبیعی و فرهنگی، کلید تداوم درآمد گردشگری است. گردشگران با آگاهی از ارزش جهانی این مکان ها، رفتار مسئولانه تری در قبال محیط و مردم نشان می دهند.

نهادهای دولتی و بخش خصوصی نیز انگیزه بیشتری برای سرمایه گذاری در زیرساخت های سبز، آموزش گردشگری پایدار و نظارت بر کیفیت خدمات پیدایمی کنند.

به این ترتیب، فرایند گردشگری از یک فعالیت صرفاً اقتصادی، به حرکتی فرهنگی و اخلاقی تبدیل می شود که تمامی ذی نفعان در آن نقش و مسئولیت دارند.

قرار گرفتن این سه روستای ایرانی در میان بهترین های جهان، می تواند گامی فصل نویسی در نگاه به گردشگری روستایی کشور باشد. این رویداد فرصتی است تا سیاست گذاران، پژوهشگران و جوامع محلی دست به دست هم دهند و الگوی گردشگری تاب آور، جامعه محور و پایدار را در سایر مناطق نیز گسترش دهند.

در جهانی که گردشگری اغلب با تخریب محیط و کالایی سازی فرهنگ همراه است، سهیلی، شفیع آباد و کندلوس ثابت کرده اند که می توان با تکیه بر هویت بومی، هم توسعه یافت و هم زمین را پاس داشت. این سه روستا اکنون تنها مقصد گردشگران نیستند، بلکه پیامبران راهی تازه اند: راهی که از دل خاک و فرهنگ روستایی گذر دوه آینده ای پایدار می رسد.

*دانشجو دکتر اجیر افیا و بر نامه ریزی روستایی

که اقتصاد، فرهنگ و محیط زیست به طور هم زمان در نظر بگیرد. سه روستای ثبت شده دقیقاً چنین الگویی را نشان می دهند.

در سهیلی، روستاییان با استفاده از قایق های بومی گردشگران را به تماشای جنگل های حرا می برند؛ فعالیتی که هم درآمدزاست و هم آگاهی زیست محیطی را افزایش می دهد.

در شفیع آباد، توره های ستاره نگر و پیاده روی در کویر، جایگزین سفرهای پر مصرف و تخریب گر شده اند.

در کندلوس، گردشگری فرهنگی به احیای صنایع دستی و موسیقی سنتی منجر شده و جوانان را

تاب آوری اقتصادی در برابر بحران های محیطی و بازار افزایش می یابد. در سطح اجتماعی، این انتخاب حس اعتماد به نفس و تعلق مکانی را در میان ساکنان روستاها تقویت می کند. مردم احساس می کنند بخشی از میراث جهانی اند، بنابراین برای حفظ ارزش های فرهنگی، محیط زیست و رفتار مسئولانه تر با گردشگران انگیزه بیشتری دارند.

از سوی دیگر، مشارکت فعال جامعه محلی در تصمیم گیری های گردشگری باعث رشد سرمایه اجتماعی، تقویت همکاری ها و افزایش توان جامعه در مدیریت بحران ها می شود.

در واقع گردشگری روستایی زمانی پایدار است

در تازه ترین اعلام سازمان جهانی گردشگری (UNWTO)، سه روستای ایرانی «سهیلی در جزیره قشم»، «شفیع آباد در استان کرمان» و «کندلوس در مازندران» در فهرست بهترین روستاهای گردشگری جهان ثبت شدند. این انتخاب، نه تنها افتخاری برای ایران است، بلکه از بُعدی ژرف تر می تواند نقطه عطفی در مسیر توسعه پایدار و تاب آور گردشگری روستایی ایران محسوب شود.

روستای سهیلی، در جنوب جزیره قشم، نمونه ای موفق از هم زیستی انسان و طبیعت است. این روستا با نزدیکی به جنگل های حرا، به عنوان یکی از قانون های اصلی اکوتوریسم خلیج فارس شناخته می شود. ساکنان سهیلی با مشارکت مستقیم در فعالیت های گردشگری، الگوی کم نظیری از گردشگری جامعه محور ارائه داده اند؛ الگویی که در آن محیط زیست، اقتصاد محلی و فرهنگ بومی در تعادلی هوشمندانه قرار گرفته اند.

همچنین در میانه کویر لوت، روستای شفیع آباد کرمان با معماری سنتی، خانه های کاهگلی و توره های کویرگردی، وجه دیگری از گردشگری پایدار را نمایش می دهد. این روستا یادآور سازگاری انسان با اقلیم خشک و کم آبی است؛ در شمال کشور نیز کندلوس، با موزه مردم شناسی، صنایع دستی و موسیقی محلی اش، نمونه ای از حفاظت از میراث فرهنگی در بستر طبیعت است. در کل این سه روستا در مجموع تصویری از تنوع فرهنگی، اقلیمی و زیستی ایران را در سطح جهانی به نمایش گذاشته اند.

امید می رود ثبت این سه روستا در فهرست جهانی، موجی از توجه و سرمایه گذاری به دنبال داشته باشد. افزایش بازدید گردشگران داخلی و خارجی به معنای رونق اقتصادی، ایجاد فرصت های شغلی جدید و توسعه صنایع دستی و خدمات محلی است. این امر معیشت روستاییان را متنوع کرده و از وابستگی یک جانبه به کشاورزی یا دامداری می کاهد؛ در نتیجه،

درباره آثار هان کانگ برنده جایزه نوبل ادبی

پژواک پیوندهای انسانی



گودرز گودرزی (مجید)*

— رنج بابت امور این جهان، همیشه بخش مهمی از
رمان‌های من بوده است. / هان کانگ

سرانجام چشم و دل قاره‌ی کهن و وسیع و تاریخی آسیا پس از ۱۲۳ سال از برگزاری نخستین آیین اهداء جایزه‌ی بزرگ نوبل به این پادشاه و جایزه‌ی جهان گستر از گونه‌ی ادبی آن روشن شد؛ و برنده‌ی این جایزه و پادشاه بزرگ جهانی در سال ۲۰۲۴ خانم «هان کانگ» هست؛ نویسنده‌ای از کُره‌ی جنوبی (۱).

خانم هان کانگ اکنون ۵۳ سال دارد. او کار ادبی را با شعر و سروده آغاز کرد و شعرهای خود را به یکی از هفته‌نامه‌های کشورش می‌داد. آن‌گاه رو به نثر آورد؛ همان کاری که پدرش سال‌های سال انجام داده بود.

پدر هان کانگ یکی از داستان‌نویسان کُره‌ی جنوبی است که نامی در کرده است. «هان سونگ وون» که گمان می‌کرد با نوشتن می‌تواند گلیم خود و خانواده‌اش را از آب بگیرد و به نوایی برسد، لذا زندگی خود را وقف نوشتن کرد و هان کوچولو می‌دید که گرداگرد پدرش را روزنامه و مجله و کتاب و کاغذ فراگرفته است. هان برخلاف دختران هم‌سال خود، بیش‌تر با ابزار کار پدر (روزنامه و کتاب) بازی می‌کرد تا عروسک.

هان از کودکی خود خاطره‌های شاد و شیرین کم به یاد دارد. او خوب خاطرش هست که پدر برای تأمین هزینه‌ها و نیازهای مادی و اقتصادی خانواده و این که دست نیاز به سوی این و آن دراز نکند، جان می‌کند تا چیزی بنویسد و از قبل آن نانی به کف آورد. هان کوچک، رنج می‌کشید: «تحمّل آن وضع بیش‌تر از طاقت یک کودک کوچک بود.»

هان ۲۳ ساله پس از گرفتن دانش‌نامه‌اش از دانشگاه به استخدام مجله‌ای که ماهانه چاپ می‌شد درآمد. اما خبرنگاری و کار خبری برای او چندان دل چسب نبود؛ او در همان روزها داستان کوتاهی نوشت که جایزه‌ای رانصیبش کرد و بعد داستان کوتاه دیگری که جلب نظر کرد. همین باعث شد که کار در مجله راه‌آورد و یک سره به نوشتن داستان بپردازد.

او داستان‌های کوتاه چندین نوشت و شماری از آن‌ها را در یک مجموعه گردآورد و منتشر کرد؛ هان آن موقع ۲۵ ساله بود و لااب‌آرزوهایی در سر داشت. او تصمیمش را گرفته بود که داستان نویس بشود؛ یک داستان پرداز حرفه‌ای. از آن پس بود که بیش‌تر به این رشته‌ی ادبی

پرداخت. حاصل این کوشش، رمان‌های چندی است که «گیاه‌خوار» یکی از آن‌هاست.

شخصیت اصلی گیاه‌خوار چندمدتی است که کابوس‌های ترسناک می‌بیند؛ کابوس‌هایی که ریشه در خشونت‌های انسانی دارند. بی‌توجهی نزدیکان به نابه‌سامانی روانی وی، کابوس‌های شبانه‌ی او را تشدید می‌کند. او - که زن است - در کابوس‌های خود سنگ‌دلی و قساوت آدمیان را مشاهده می‌کند. او برای رهایی از چنگ کابوس‌های وحشتناک خود، تصمیم می‌گیرد دست از گوشت‌خواری بشوید و روبرو گیاه‌خواری بیاورد. قصد او بیرون آمدن از لایه‌ی تاریک درونی خود است تا به منزلت دست‌نیافتنی برسد (۲). اطرافیان او نمی‌توانند درکش کنند.

روشن است که «گوشت» و «گیاه» نمادهایی هستند که نویسنده آن‌ها را دست‌مایه‌ی کار خود در این رمان تکان‌دهنده قرار داده است: گیاه‌خوارشدن شخصیت داستان و بعد پرهیز از خوردن گیاه و تنهایی آب و نور قناعت‌کردن (هم‌چون گیاهان) و سرانجام «مرگ خودخواسته»، یعنی سرپیچی او از سنت‌ها و رفتارهای رایج در همین حدوا اندازه...

سبک و شیوه‌ی پسند هان کانگ در نوشتن داستان سبک رئالیسم اجتماعی است؛ سبک واقع‌گرایانه.

رئالیسم اجتماعی همان‌گونه که از نامش پیداست در بی‌نشان دادن واقعیت‌های اجتماع در کارهای هنری به دست هنرمند است. در چنین سبکی است که داستان به واقعیت شباهت زیادی پیدا می‌کند (و صرفاً خیال‌پردازی نیست). پدیدآورندگان رمان‌های مشهور «سرخ و سیاه» (استاندال)، «دیوید کاپرفیلد» (دیکنز)، «مادام بوواری» (فلوربر)، «بینوایان» (هوگو)، «جنگ و صلح» (تولستوی)، «برادران کارامازوف» (داستایفسکی) از پیروان شهیر و نامی این مکتب ادبی‌هنری بوده‌اند.

هان با این شیوه‌ی ادبی درصدد به صدا درآوردن صدای پیوندهای هویتی و چیستی انسانی است.

آری! «او به عنوان زنی پرورش یافته در خانواده‌ای فرهنگی، کوشش می‌کند به سراغ سوزهای برود که انسان‌ها به‌طور مستقیم با آن‌ها در تماس یا تماس هستند؛ سوزهایی مانند غذا خوردن، برقرارکردن ارتباط و مبارزه برای پس گرفتن حقوق انسانی از حکومتی ستمگر. از این منظر می‌توان هان کانگ را نویسنده‌ای دغدغه‌مند و جسور دانست که بی‌آن که بخواهد سبک‌های مختلف داستان‌نویسی یا ژانرهای متفاوت را بیازماید، داستان‌ها و سوزهای رئالیستی را برمی‌گزیند.» کارهای داستانی هان کانگ باعث گردید نظر و نگاه آکادمی سوئد را به خود جلب کند و وی را شایسته‌ی دریافت جایزه‌ی ادبی نوبل ۲۰۲۴ بداند برای «نثر پرتراکم و شاعرانه‌ای که به رویارویی با تکان‌های روانی تاریخی رفته است... و پرداختن و به تصویر کشیدن شکنندگی و آسیب‌پذیری زندگی آدمی».

هنگامی که رسانه‌ها خبر برنده‌شدن هان کانگ

را مخابره می‌کنند، بیش از همه مردم کُره‌ی جنوبی شادمان می‌شوند و شادی خانوادگی او که بیش‌تر، پدر برنده‌ی جایزه‌ی نوبل ادبی کشور کُره از زور ذوق می‌خواهد جشنی باشکوه برگزار کنند اما هان نه تنها این فکر را از سر پدر و کسانی که دل‌شان لک می‌زد برای برپایی جشن و بزم می‌راند، بل که اجازه‌ی این کار را نمی‌دهد. او که دختری بوده که از هر نوع خودنمایی و جلوه‌گری دوری می‌جسته، اکنون نیز چنین است؛ به‌ویژه «وقتی هنوز آتش مرگ بار جنگ در غزه و اوکراین شعله‌ور است»، جشن گرفتن را «کار درستی نمی‌داند».

پیش از آن هان کانگ جایزه‌های مهم دیگری دریافت کرده بود. برای همین رمان گیاه‌خوار، جایزه‌ی ادبی بین‌المللی و فرامرزی بوکر ۲۰۱۶ را به وی دادند (۳). دو سال پس از آن داستان «اعمال انسانی» او نامزد دریافت جایزه‌ی بوکر بین‌المللی ۲۰۱۸ شد (۴). هان پیش از آن که اقدام به نوشتن رمان اعمال انسانی کند، این فکر در ذهنش می‌جنبید که «رمانی تابناک و زندگی‌بخش» بنویسد؛ داستانی از زادگاه‌اش: گوانگجو؛ که خانواده‌اش در نه سالگی وی آن‌جا را به قصد ستول ترک گفته بود؛ از هم‌شهریان آزادی‌خواه و جنبش مردم‌سالارانه‌ی دانشجویان آن شهر کتاب بسازد که مخالف کودتاچیان و نیروهای سرکوب‌گراشان بودند و در سال ۱۹۸۰ بی‌رحمانه با چوب و چماق و سرنیزه و تفنگ نیروهای نظامی - امنیتی کودتاگران قلع و قمع و کشته شده بودند. «این کاری است که انسان با انسان می‌کند؟... باید چیزی بگویم...»

در همان سال ۲۰۱۶ بود که کتاب «کتاب سفید» هان منتشر شد. کتاب سفید، داستان زندگی نویسنده است که این اثر نیز در فهرست نهایی کتاب‌های شایسته‌ی دریافت جایزه‌ی بوکر قرار گرفت.

هان گاه‌وبی‌گاه درد می‌گیرد به سراغش می‌آید. او در کتاب سفید خود بدان اشاره کرده است: «هر از گاه، گذر زمان به شدت آشکار می‌نماید. درد جسمانی هوشیاری را همیشه شدت می‌بخشد. می‌گیرد. می‌گیرد. می‌گیرد. از دوازده، سیزده سالگی ام آغاز شد، بی‌هیچ هشدار و هجوم می‌آورد، و انقباض‌های شکمی دردناکی را با خود به همراه دارند که زندگی روزمره را به یکباره می‌ایستاند.» اما او بیماری می‌گیرد را یک فرصت می‌داند و می‌گوید: «اگر در سلامت کامل بودم نویسنده نمی‌شدم!» (۵)

سه سال مانده بود تا جایزه‌ی نوبل - این پرافتخارترین جایزه‌ی پهنه‌ی ادبیات - به هان داده شود که او «ماز هم جدانمی‌شویم» را به دست چاپ سپرد.

ماز هم جدانمی‌شویم داستان نویسنده‌ای است که درباره‌ی خیزش و خروش عمومی جزیره‌ی «ججو» در سال‌های ۱۹۴۸ و ۱۹۴۹ نسبت به برگزاری انتخابات در نیمه‌ی از سرزمین کُره - که در اشغال آمریکاییان بود - و در مخالفت با تقسیم کُره، دست به پژوهش و جست‌وجو می‌زند و چرایی سرکوب خشونت‌بار قیام و کشتار بسیاری از معترضان.



از دیگر آثار اوست:

- تقاهت؛

- مرکب و خون؛

- درس‌های یونانی.

اغلب کتاب‌های این نویسنده‌ی کُره‌ی جنوبی به چند زبان از جمله انگلیسی و فرانسوی و ایتالیایی ترجمه و برگردانی و منتشر شده است.

و در پایان، جمله‌ای از این نخستین نویسنده‌ی زن آسیایی که جایزه‌ی جهانی نوبل ادبی را از آن خود کرده است مرور می‌کنیم: «بعضی از خاطرات هرگز درمان نمی‌شوند. آن‌ها به جای این که مانند سایر خاطرات در گذر زمان محو و ناپدید شوند، همیشه باتومی مانند.»

* الیگودرز - یک‌شنبه ۴ خرداد ماه ۱۴۰۴ خورشیدی

پی‌نوشت‌ها:

۱. البته پیش از آن کُره‌ی جنوبی در سال ۲۰۰۰ شاهد اهداء جایزه‌ی نوبل به یکی از شهروندان خود به نام «کیم دای جونگ» - رئیس‌جمهوری وقت کُره - بود. که پیداست جنس جایزه‌اش چه بود؛ صلح نوبل.

۲. خانم کانگ به‌هنگام دریافت جایزه‌ی نوبل، در سخن‌رانی خود گفت: «موقع نوشتن رمان گیاه‌خوار با چند پرسش دردناک روبرو بودم: آیا کسی می‌تواند کاملاً بی‌گناه باشد؟ تا کجا می‌توانیم خشونت را نفی کنیم؟ چه اتفاقی می‌افتد برای کسی که نخواهد به گونه‌ای به نام انسان تعلق داشته باشد؟»

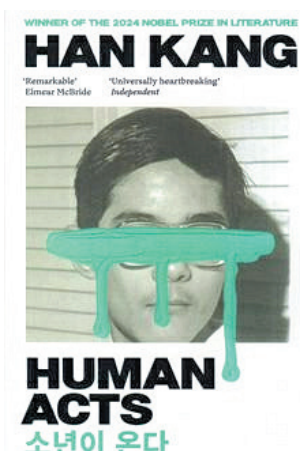
۳. این نخستین رمان کُره‌ای زبان بود که جایزه‌ی بین‌المللی بوکر را از آن نویسنده‌اش کرد.

۴. هان کانگ پس از دریافت جایزه‌ی بوکر بین‌المللی ۲۰۱۶ در گفت‌وگویی درباره‌ی تأثیر اعمال انسانی گفت: «هیچ کتاب دیگری [از من] تا این اندازه برای من دردناک و عمیق نبوده است. جاهایی وجود دارند که نمی‌توان امر شخصی را از امر سیاسی جدا کرد.»

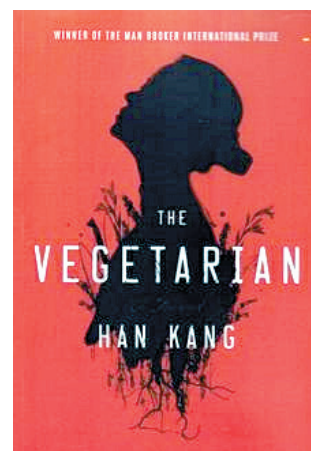
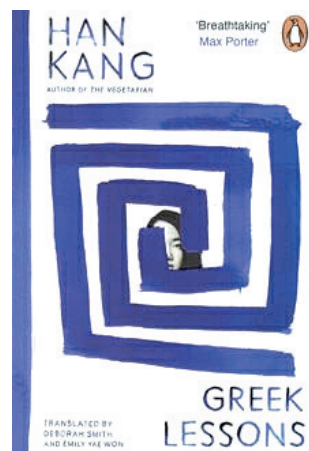
۵. این سخن کانگ، آدمی را یاد بیماری صرع داستایفسکی می‌اندازد و به یاد دیدگاه برخی منتقدین ادبی و نویسندگان از جمله سامرست موم که اگر داستایفسکی صرع نداشت، چه‌بسا دست به قلم نمی‌برد و شاه‌کارهایی این چنینی نمی‌آفرید.



흰



소년이 온다



چهل سال پیش در همین روز

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز سه شنبه ۱۴ آبان ماه ۱۳۶۴ (برابر با ۲۱ صفر ۱۴۰۶، ۵ نوامبر ۱۹۸۵) نقل شده است.

طرح قانونی مطبوعات از تصویب نهائی گذشت

مواد باقیمانده طرح قانونی مطبوعات، در جلسه علنی امروز مجلس شورای اسلامی، پس از بحث و بررسی درباره پیشنهادات نمایندگان، از تصویب مجلس گذشت و بدین ترتیب کار رسیدگی به این طرح پایان یافت. مواد ۳۶، ۳۷ و ۳۸ طرح مزبور که در جلسه علنی امروز مجلس تصویب شد، به شرح زیر است: ماده ۳۶- به جرائم ارتكابی به وسیله مطبوعات در دادگاه صالحه، با حضور هیات منصفه رسیدگی می شود.

ماده ۳۷- آئین نامه اجرایی این قانون حداکثر ظرف شش ماه توسط وزارت ارشاد اسلامی تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

ماده ۳۸- از تاریخ تصویب این طرح قانونی، کلیه قوانین مغایر ملغی است و وزارت ارشاد اسلامی مأمور اجرای آن است.

رئیس شورای امنیت با نمایندگان ایران و عراق مذاکره می کند

تهران - خبرگزاری جمهوری اسلامی: شورای امنیت سازمان ملل، مذاکرات خصوصی گسترده ای را درباره جنگ ایران و عراق آغاز کرد. به رئیس شورای امنیت، اجازه داده شده است که مذاکرات را با نمایندگان ایران و عراق در سازمان ملل دنبال کند. به گزارش رادیو دبی، به گفته منابع سازمان ملل «ریچارد و وکات» که اهل استرالیا است، پیشنهاد کرده است که طی انتشار بیانیه ای از دو کشور درگیر در جنگ، رسماً دعوت شود در تلاش های صلح شورای امنیت شرکت کنند، ولی این پیشنهاد بلافاصله به خاطر «پیشرس» بودن رد شد. عراق قبلاً به دخالت شورای امنیت برای پایان جنگ، ابراز علاقه کرده است، ولی دولت ایران شورای امنیت را متهم کرده است که گرایش های ضد ایران دارد.

طلاها و کمک های نقدی مسلمانان به جبهه های جنگ

تحملی تقدیم آیت الله العظمی منتظری شد

قم - به گزارش واحد مرکزی خبر طی هفته گذشته مبلغ دو میلیون ریال و دو قطعه طلا از طرف اهالی ایران شهر و مبلغ یک میلیون ریال از طرف اهالی سلمان شهر و تنکابن و چند قطعه طلا از طرف اهالی شاهرود توسط ائمه جمعه این شهرستان ها و مبلغ ۵ هزار ریال سعودی و مقداری طلا از طرف دو خواهر و برادر عربستانی و مبلغ یک میلیون ریال از اهالی ایوز لارستان توسط مفتی آن منطقه و مبلغ یک میلیون ریال از طرف یکی از افراد خیر به منظور تقویت جبهه های جنگ تحمیلی و کمک به رزمندگان اسلام تقدیم حضرت آیت الله منتظری شد.

کودکان ایرانی برنده جایزه نمایشگاه جهانی شدند

نقاشی های پنج تن از کودکان ایرانی برنده جایزه از بیست و هفتمین نمایشگاه جهانی نقاشی کودکان و نوجوانان شد.

به گزارش روابط عمومی وزارت فرهنگ و آموزش عالی، در پی اقدام کمیسیون ملی یونسکو در ایران و معرفی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان نقاشی ۵ نفر از کودکان ایرانی در نمایشگاه بین المللی نقاشی کودکان که در مهرماه گذشته در شهر ستول کره جنوبی برگزار شد برنده جوایزی بدین شرح شدند:

- ۱- مریم بنی هاشمی ده ساله برنده یکی از دو جایزه بزرگ مسابقه
- ۲- علی واعظی ۱۲ ساله برنده مدال نقره
- ۳- نادر اسفندیاری ۱۱ ساله برنده مدال نقره
- ۴- عطیه بارویتان ۸ ساله برنده مدال برنز
- ۵- نیکو حق وثوقی ۸ ساله برنده مدال برنز

قالب امروز



کویر مرند - کاشان - عکس: مصطفی تقاضایی / اطلاعات

سرایه

روی تو بسترد و بر بود و بیفکند و ببرد

چارچیز از چارچیز و هر یکی را کرد غاب

خرمی از نوبهار و تازگی از سرخ گل

نیکویی از گرد ماه و روشنی از آفتاب

فرخی سیستمی

پند بزرگان

زندگی همواره به این معنا نیست که انسان مهره های برنده در اختیار داشته باشد، بلکه به این معناست که با مهره های بسیار بدش، خوب بازی کند.

جک لندن

در طول زندگی ام هیچ گاه از انسان هایی که با افکار من موافق بودند، چیزی نیامو ختم.

آندره مالرو

امروز در تاریخ

طغرل سلجوقی بغداد را تصرف کرد

طغرل سلجوقی که بسیاری از نقاط ایران را در اشغال خود داشت، پنجم نوامبر سال ۱۰۵۴ میلادی به بهانه نجات خلیفه عباسی از دست شیعیان و استقرار مجدد حاکمیت اهل تسنن، اعلام کرد که عازم بغداد می شود. طولی نکشید که طغرل با سپاهی گران روانه بغداد شد و اوایل سال ۱۰۵۵ میلادی این شهر را تصرف کرد و از آن پس به نام خلیفه که در دست او آلتی بیش نبود زمام امور قلمرو عباسیان را به دست گرفت و خود را حامی خلیفه اعلام کرده و قدرت را در بغداد به سنی ها باز گردانید؛ یعنی درست عکس کاری که ده ها سال پیش از او، دیلمیان ایرانی (شیعه مذهب) کرده و قدرت را در دست شیعیان قرار داده بودند.

ضعف دفاعی ایران برای حفاظت بی طرفی در جنگ جهانی

۱۴ آبان ۱۲۹۳، شورای وزیران دولت وقت ایران که برای بررسی چگونگی مقابله با نقض بی طرفی کشور از سوی دولت های متخاصم تشکیل جلسه داده بود به بن بست رسید؛ زیرا نظامیان وطن به دلیل ضعف تجهیزات و آموزش و نداشتن آمادگی و حتی آذوقه، قادر به دفاع از بی طرفی کشور نبودند.

کناره گیری بازرگان از نخست وزیری

آخر وقت ۱۴ آبان ۱۳۵۸ اعلام شد که مهدی بازرگان پس از ۲۶۸ روز نخست وزیری، کناره گیری کابینه خود را تسلیم و دلیل آن را، رویدادهای اخیر (از جمله تصرف سفارت آمریکا)، مداخله خودسرانه افراد در امور دولتی [بگیر و ببندها، مصدراها و ...] و نیز انتقاد افراد و گروه ها از کابینه، به ویژه اعتراض آنان به ملاقات او در خارج از کشور با برژینسکی، مشاور امور امنیت ملی جیمی کارتر، رئیس جمهوری وقت آمریکا قلمداد کرده بود.

مطالب این ستون، هر روز از سایت: www.iranianshistoryonthistday.com و به قلم انوشیروان کیهانی زاده نقل می شوند.

۴۱۹۸

سودوکو

					۸				
								۳	
				۲	۶	۹	۸		۵
				۳	۱		۴		۶
					۲			۴	
				۵	۹	۶		۸	
				۱	۴	۸	۲		۶
							۹		۳
							۶		

غلامحسین باغبان

طراح جدول

۴۱۹۷

پاسخ

۲	۴	۸	۹	۳	۷	۵	۶	۱	
۵	۶	۱	۲	۴	۸	۹	۳	۷	
۹	۳	۷	۵	۶	۱	۲	۴	۸	
۸	۲	۴	۷	۱	۹	۳	۵	۶	
۳	۹	۵	۸	۲	۶	۷	۱	۴	
۷	۱	۶	۴	۵	۳	۸	۲	۹	
۶	۸	۲	۳	۷	۴	۱	۹	۵	
۴	۵	۹	۱	۸	۲	۶	۷	۳	
۱	۷	۳	۶	۹	۵	۴	۸	۲	

۶۷۱۱

شرح درمختص

تاریخ و غارت	نویسنده برزیلی	سوره مردم	ملک بودایی	چاکر	کامروار	ج	پارادشت	پارادشت
چ	کیمیاگر	شوری در آلمان	تبتیان	ز	م	ی	ک	ک
قاره پهناور				ز	م	ی	ک	ک
حرف زمین شوی				ز	م	ی	ک	ک
زمینه				ز	م	ی	ک	ک
کلمه پرستی				ز	م	ی	ک	ک
ت				ز	م	ی	ک	ک
قادر				ز	م	ی	ک	ک
کشور طرابلس				ز	م	ی	ک	ک
خ				ز	م	ی	ک	ک
بستی و دلت				ز	م	ی	ک	ک
جغد				ز	م	ی	ک	ک
دستی				ز	م	ی	ک	ک
نوعی ابزار				ز	م	ی	ک	ک
گ				ز	م	ی	ک	ک
شاه میوه				ز	م	ی	ک	ک
شور و غوغا				ز	م	ی	ک	ک